«بسمه تعالی»

عدد در زبان عربی به دو دسته ی اصلی و ترتیبی تقسیم می شود.

اعداد اصلی: اعدادی هستند که برای شمارش چیزی از آنها استفاده می شود.

اعداد اصلی چهار قسم است: مفرد، مرکب، عقود و معطوف.

۱- مفرد :

شامل اعداد واحد تا عشرة (۱ تا ۱۰)

و همچنین اعداد مِئة (۱۰۰) ، ألف (۱۰۰۰) ، ملیون (۱۰۰۰۰۰۰) ، مِلیار(۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰) و فروع آنها، مثنی ها و جمع های آن مانند مِائَتان(۲۰۰) ، ألفَان (۲۰۰۰) ، مِئآت (صد ها) وألوف یا آلاف (هزاران) ... می شود .

الف) یک و دو :

در زبان عربی برخلاف زبان فارسی برای اعداد " واحد ، واحدة ، اثنان ،اثنین، اثنتان و اثنتین" (۱و۲) معدود آورده نمی شود ، زیرا اسم ها بدون هیچ گونه علامتی بر یکی بودن دلالت می کنند و با افزودن (انِ – ینِ) به آخر هر اسم مفرد ، بر دو تا بودن دلالت می کنند .

مانند : کتابٌ (یک کتاب) . کتابان – کتابَین (دو کتاب)

ولی ممکن است این اعداد پس از اسم ذکر شوند

مانند : کتابٌ واحدٌ ، مدرسةٌ واحدةٌ ، کتابان اثنان ، کتابین اثنَین ، مدرستان اثنتانِ، مدرستین اثنتَین.

در این حالت عددی که بعد از معدود می آید صفت مفرد است و قواعد صفت مفرد باید رعایت شود

هر گاه صفت یک اسم باشد آن را « صفت مفرد » می نامیم و در چهار مورد از موصوف(اسم قبل از خود) پیروی می کند

موارد تبعیّت صفت مفرد از موصوف:

الف) جنس(مذکّر و مؤنّث بودن)/**ب)** معرفه و نکره بودن/**ج)** عدد (مفرد و مثنّی و جمع بودن)/**د)** اعراب (رفع و نصب و جرّ)

مثال ها:

عندي کتابٌ واحدٌ/ عندي برتقالةٌ واحدةٌ – عندی کتابان اثنان/ عندی برتقالتان اثنتانِ

رایتُ قلماً واحداً/رأیتُ قطَّةً واحدةً – رایتُ قلمَینِ اثنَینِ/رایتُ قطَّتَینِ إثنتَینِ

مررتُ بکَلبٍ واحدٍ/مَرَرتُ بشجرةٍ واحدةٍ – مررتُ بکلبَینِ إثنَینِ/ مررتُ بشجرتَینِ إثنتَینِ

اعراب اعداد مفرد ، ظاهری و اصلی است به غیر از عدد إثنان و إثنتان (۲) و اعداد مثنی مانند : مِئَتان(۲۰۰) و ألفان(۲۰۰۰) و ... که اعرابشان مانند اعراب اسماء مثنی، ظاهری فرعی است یعنی در حالت رفع با (ان) ودر حالت های نصب وجرّ با (ین) می باشد

مانند : جاء إلی المدرسة خمسةُ معلّمین ، رأیتُ فی المدرسة خمسةَ معلّمین . که "خمسة" در جمله ی اول فاعل و مرفوع و در جمله ی دوم مفعول به و منصوب است .

و مانند: عندی کتابان اثنانِ . که "کتابان " مبتدای مؤخر و مرفوع با (ا) و " اثنان " صفت و مرفوع با (ا) به تبعیت از موصوف که برای تأکید آمده است.

ویا مانند :

اشتَرَکَ فِي الامتحان ألفا تلمیذٍ . " ألفا " فاعل ومرفوع به (الف) . إنّ لي مائتَي کتابٍ ."مائتي" اسم مؤخر إنّ و منصوب با (ي)

إن یکن منکم ألفٌ یغلبوا ألفینِ بإذن اللهِ (الأنفال آیه ی ٦٦) " ألفین " مفعول به ومنصوب با (ي)

ب) اعداد ۳ تا ۱۰

(۳- ثَلاثَةٌ/ثَلاثٌ) (٤- أربَعَةٌ/أربَعٌ) (٥- خَمسَةٌ/خَمسٌ) (٦- سِتَّةٌ/سِتٌّ) (٧- سَبعَةٌ/سَبعٌ) (٨- ثَمانيةٌ/ثَماني«ثمانٍ»)

(٩- تِسعَةٌ/تِسعٌ) (١٠- عَشَرَةٌ/عَشرٌ)

حکم عدد:

- عدد معرب است

مثال های آن در بخش قبل آمده است

- عدد در مونث و مذکر بودن برخلاف معدود می آید یعنی این‌که اگر مفرد معدود، مذکر بود عدد مونث می آید و بالعکس

نکته:ملاک در مذکر یا مؤنث آوردن عدد، لفظ مفرد معدود است.

مثال: ثلاثة غِلمة، جمع مکسر غلام: غِلمة/أربعة أسئلة، جمع مکسر سؤال:أسئلة/تسعة أدوية، جمع مکسر دواء:أدوية/

در تمامی مثال های بالا لفظ معدود در مفردش مذکر است هر چند‌که جمع مکسر آن مؤنث لفظي است اما ملاک ما برای تطابق یا عدم تطابق در تذکیر و تأنیث، مفرد معدود است.

حکم معدود(تمیز/تمییز):

تذکر : به اسمی‌که بعد از عدد می آید و ابهام آن را بر طرف می‌کند ، معدود یا تمییز آن عدد گفته می شود

- معدود جمع و مجرور می آید و نقش معدود، مضاف الیه است(در حالت عادی بدون الف و لام و نکره آورده می شود)

- اگر معدود جمع مکسر داشت جمع مکسر می آوریم و اگر جمع مکسر نداشت جمع سالم می آوریم

مثال:اشتریتُ ثلاثةَ کُتُبٍ وثلاثَ برتقالاتٍ - في المدرسةِ عَشَرَةُ طلابٍ وعَشْرُ طالباتٍ - هؤلاءِ تسعَةُ رجالٍ وخمسُ نساءٍ

نکته:

الف) کلمه مرأة جمع مکسر از لفظ خود ندارد و برای جمع مکسر آن، از کلمة نساء استفاده می کنیم

ب) عدد ٨(ثماني) از جهت صرفي، منقوص می باشد و در جایی که معدود مونث است و مستقیما بعد از عدد ذکر نشده است(ثماني مضاف الیه نداشته باشد). در حالت رفعي و جری حرف یاء حذف شده و به جای آن تنوین جر می آید(ثمانٍ)

مثال(١٢٨ دانش آموز دختر) مئة وثمانٍ وعشرون تلمیذةً

ج) حرف شین در عشرة، در اعداد مفرد(٣تا ١٠) مفتوح است عشَرَة کتبٍ.وحرکت شین در اعداد مرکب(١١تا ١٩) ساکن است ثلاثَ عشْرة إمراةً و جایز است که شین را مفتوح بخوانیم ثلاث عشَرة امرأةً

د) حرف شین در عشر: در اعداد مفرد (٣تا ١٠) ساکن است عَشْر بقراتٍ و حرکت شین در اعداد مرکب (١١تا ١٩) مفتوح است. أحدَ عَشَرَ کوکبا

ج) اعداد (١٠٠– مِئَة) (١٠٠٠– ألف) (١٠٠٠٠٠٠– مِلیون) (١٠٠٠٠٠٠٠٠٠– مِلیار)

حکم عدد:

– برای مذکر و مؤنث یکسان می آید

– معرب است به اعراب ظاهری اصلی

حکم معدود:

– مفرد است و مجرور(مضاف الیه است)

مثال: جاء مِئَةُ طالبٍ ومِئَةُ طالبةٍ – رأیتُ ألفَ شابٍ وألفَ شابةٍ – مررتُ بمِلیونِ رجلٍ ومِلیونِ إمرأةٍ

د) اعداد:

(۲۰۰– مِئَتانِ) (۳۰۰– ثَلاثُمِئَةٍ) (٤۰۰– أربَعمِئَةٍ) (۵۰۰– خَمسُمِئَةٍ)

(٦۰۰– سِتُّمِئَةٍ) (۷۰۰– سَبعُمِئَةٍ) (۸۰۰– ثَمانُمِئَةٍ) (۹۰۰– تِسعُمِئَةٍ)

حکم عدد:

– مِئتان معرب است به اعراب نیابی که الف نیابت از رفع می کند و یاء نیابت از نصب و جر.

معدود این اعداد چون مضاف الیه است، نون تثنیة در هنگامی که معدود بعد از مئتان می آید، حذف می شود

– در بقیه این اعداد جزء اول معرب است و براساس نقشی که می گیرد اعرابش تغییر می کند. و به علت این که مئة به آن اضافة شده است، جزء اول تنوین نمی گیرد. جزء دوم (مئة) معرب است و چون مضاف الیه است، در همه ی حالات اعرابی مجرور است.

– برای مذکر و مؤنث یکسان می آید

حکم معدود:

– مفرد است و مجرور(مضاف الیه است)

نکته: براساس قواعدی که برای معدود ۳ تا ۱۰ ذکر شد باید معدود جمع و مجرور بیاید، اما در اعداد ۲۰۰ تا ۹۰۰ بر خلاف قاعدة مذکور، معدود مفرد و مجرور می آید

تِسعُ مِئاتٍ ====» تِسعُمِئَةٍ

مثال:

جاءَ مِئَةُ رجلٍ ومِئَتا إمرَأةٍ – رأیتُ خَمسَمِئَةِ وَلدٍ وخَمسَمِئَةِ بنتٍ – مَررتُ بِتِسعِمِئَةِ عُصفورٍ وتِسعِمِئَةِ عَنزَةٍ

نکته:

چگونگي خواندن اعدادی مانند ۱۰۱، ۲۰۵،الی ....

جاء مئةٌ ورجلٌ واحدٌ/ جائت مئةٌ وإمرأةٌ واحدةٌ /مررتُ بمِئتينِ وامرأةٍ واحدةٍ/رأيتُ مِئَةً ورجلينِ إثنَينِ/رأيتُ مِئَةً وإمرأتَينِ إثنَتَينِ/

مَرَرتُ بمِئَةٍ وثلاثةِ رجالٍ/مررتُ بمِئَةٍ وثلاثِ نساءٍ/جاءَ تِسعُمِئةٍ وتسعةُ رجالٍ/رأيتُ خمسَمِئةٍ وستَّ نساءٍ/جاءَ أربعُمئةٍ وخمسةٌ وعشرون رجلا

جاء ألفٌ ورجلٌ واحدٌ/جاءت ميليونٌ وإمرأةٌ واحدةٌ/رأيتُ ميليارَين وخمسةَ عصافيرَ/

(ذکر کردن واحد و اثنان بعد از معدود ضروری نیست)

در اين گونه مثال ها، عدد اول متناسب با عامل(رفعي، نصبي، جري) اعراب می گيرد وعددی که بعد از واو عطف می آيد در اعراب تابع عدد اول است.

در مثال های بالا بعد از عدد (مئة...ألف...ميلون...ميليار....) معدود به قرينه معطوف حذف شده است و اين قاعده در تمامي اعداد شمارشی اجرا می شود. که در اصل اين گونه بوده اند.

جاءَ مِئَةُ رجلٍ ورجلٍ/جائت مِئَةُ إمرأةٍ وإمرأةٍ/مررتُ بمِئتَي امرأةٍ وامرأةٍ واحدةٍ/رَأيتُ مِئَةَ رجلٍ ورجلَينِ/رَأيتُ مِئَةَ إمرأةٍ وإمرأتَينِ/

مَرَرتُ بمِئَةِ رجلٍ وثلاثةِ رجالٍ/ مَرَرتُ بمِئَةِ إمرأةٍ وثلاثِ نساءٍ/جاءَ تِسعُمِئةِ رجلٍ وتسعةُ رجالٍ/رأيتُ خمسَمِئةِ إمرأةٍ وستَّ نساءٍ/

جاء أربعُمئةِ رجلٍ وخمسةٌ وعشرون رجلا /جاء ألفُ رجلٍ ورجلٍ/جاءت ميليونُ إمرأةٍ وإمرأةٍ/رأيتُ ميليارَي عصفورٍ وخمسةَ عصافيرَ/

استعمال وجه اول(حذف مضاف اليه از عدد اول) رايج تر است

۲– اعداد مرکب:

شامل اعداد أحد عشر تا تسعة عشر (۱۱تا ۱۹) می شود

الف) یازده و دوازده (أحد عشر/إحدى عشرة، إثنا عشر/إثنتاعشرة)

حکم عدد:

–۱۱و ۱۲ از جهت مونث و مذکر بودن در هر دوجز خود با معدود خود مطابقت می کنند

– هر دو جزء مبنی بر فتح است مگر در ۱۲ که جزء اول معرب است به اعراب نیابی مثنی(در حالت رفعي با «الف» و در حالت نصبي و جری با «ي» می آید

حکم معدود:

– مفرد است و منصوب

مثال:

یا أبتِ إنّی رأیتُ أحدَ عشرَ کوکباً (یوسف آیه ی ۴)

فانفجرت منه اثنتا عشرةَ عیناً .(البقرة آیه ی ٦٠)– عین به معنای چشمه و مؤنث است

جاء أحَدَ عَشَرَ طالبا و إحدى عَشَرَةَ طالبةً – رأيتُ أحَدَ عَشَرَ طالباً و إحدى عَشَرَةَ طالبةً

جاء أثنا عَشَرَ طالبا و إثنتا عَشَرَةَ طالبةً – سَلَّمتُ على أثني عَشَرَ طالبا و إثنتي عَشَرَةَ طالبةً

ب) اعداد ۱۳ تا ۱۹

(۱۳–ثلاثَةَ عَشَرَ/ ثلاثَ عَشَرَةَ) (١٤– أربَعَةَ عَشَرَ/ أربَعَ عَشَرَةَ) (١٥– خَمسَةَ عَشَرَ/ خَمسَ عَشَرَةَ)

(١٦– سِتَّةَ عَشَرَ/ سِتَّ عَشَرَةَ) (١٧– سَبعَةَ عَشَرَ/ سَبعَ عَشَرَةَ) (١٨– ثمانيةَ عَشَرَ/ ثماني عَشَرَةَ)

(١٩– تِسعَةَ عَشَرَ/ تِسعَ عَشَرَةَ)

حکم عدد:

– جزء اول از نظر مؤنث و مذکر بودن، مخالف معدود می آید و جزء دوم موافق با معدود

– هر دوجزء مبنی بر فتح هستند و اعراب محلی می گیرند

حکم معدود:

– معدود مفرد است و منصوب

مثال:

ذَهبَ ثَلاثَةَ عَشَرَ رجلا وثلاثَ عَشَرَةَ امرأةً (عدد فاعل است و محلاً مرفوع)

سلَّمتُ علَى خَمسةَ عَشَرَ رَجلاً وخَمسَ عشَرَةَ امرأةً (عدد مجرور به حرف جر است و محلاً مجرور)

امتَحنتُ تِسعَةَ عَشَرَ طالباً وتِسعَ عَشَرَةَ طالبةً (عدد مفعول به است ومحلا منصوب)

۳– اعداد عقود:

اعداد ٢٠ تا ٩٠

(٢٠– عِشرون) (٣٠–ثلاثون) (٤٠–أربعون) (٥٠–خَمسون)

(٦٠–سِتُّون) (٧٠–سَبعون) (٨٠–ثَمانون) (٩٠–تِسعون)

حکم عدد:

- برای مؤنث و مذکر یکسان می آید و تغییری نمی کند

- معرب است به اعراب نیابی جمع مذکر سالم: در حالت رفعی واو، در حالت نصبی و جری یاء می آید

حکم معدود:

- معدود مفرد و منصوب می آید

مثال:

في المسجد خَمسونَ مؤمنا وسِتُّونَ مؤمنةً (عدد در اینجا مبدای مؤخر و مرفوع به اعراب نیابی واو است)

اشتريتُ سبعِينَ كتابا وثمانينَ بُرتغالةً (عدد در این جا مفعول به و منصوب به اعراب نیابی یاء است)

خَطَبَ الإمامُ في عشرينَ رَجلا وأربعينَ امرأةً (عدد در این جا مجرور به حرف جر است و مجرور به اعراب نیابی یاء)

نکته: گاهی اوقات از اعداد عقود، جنس آنها اراده می شود وبصورت جمع مؤنث سالم نوشته می شوند در این حالت برای بیان دَهِ ها از آنها استفاده می شود.

مثال: عشرينيات، ثلاثينيات،أربعينيات،خمسينيات،.....

وُلِدتُ في التسعينياتِ: در ده ی ۹۰(میلادی یا شمسی یا قمری) بدنیا آمدم.

تُوُفِيَّ في العشرينياتِ من القرنِ التاسعَ عشرَ: در دهه بیست قرن ۱۹ مرد.

رأيتُ شابا في العشرينياتِ من عمره: جواني را که در ده ی دوم عمرش بود، دیدم

۴- اعداد معطوف:

الف) اعداد ۲۱ تا ۹۹ است

حکم عدد:

- در زبان عربی هنگامی که یکان و دهگان در یک عدد جمع بشوند ابتدا یکان و سپس دهگان می آید(بر خلاف زبان فارسی)

- یکان (بر أساس قاعده ۳ تا ۱۰) در مؤنث و مذکر بودن با معدود مخالفت می کند

- دهگان (همان طور که در اعداد عقود گفته شد) برای مؤنث و مذکر بصورت یکسان می آید

حکم معدود:

- مفرد و منصوب می آید

- معدود بعد از دهگان ذکر می شود

مثال :

جاءَ واحدٌ وأربعون رجلا واثنتان وعشرون امرأةً - رأيتُ سبعةً وتِسعين شاباً وثلاثاً وسَبعين شابةً

مَرَرتُ بواحدةٍ و سبعينَ امرأةً و تسعٍ وتسعينَ صَبيَّةً.

نکات تکمیلی:

۱) در هنگام شمارش اعداد بدون معدود، معدود کلمه عدد می باشد که مذکر است و این گونه شمارش می کنیم

واحدٌ، إثنانِ، ثلاثةٌ، أربعةٌ،خمسةٌ،ستَّةٌ،......

می توان در هنگام تلفظ، آخر این اعداد را ساکن کرد

۲) گاهی اوقات یک عدد، معدود عدد دیگری قرار می گیرد. و عددی که معدود واقع شده است هم اسمی را به عنوان معدود می گیرد.
عدد+عدد(معدود است برای عدد قبلی)+معدود

در این گونه موارد برای هر عدد، قواعد مخصوص به آن(که قبلا به آنها اشاره شد) رعایت می شود

مثال:

۳ هزار مرد آمدند. جاء ثَلاثةُ آلافِ رجلٍ – من ۱۰۰ هزار تومان دارم. عِندي مِئَةُ ألفِ تومانٍ

۵۰۰ میلیون تومان پرداخت کردم. دَفَعتُ خَمسَمِئَةِ مِليونِ تومانٍ

۳۰۰ هزار میلیون تومان پیدا کردم. وجدتُ ثَلاثَمِئَةِ أَلفِ مِليونِ تومانٍ

۶۰۰ هزار میلیارد تومان به دوستم دادم. أعطيتُ صَديقي سِتَّمِئَةِ ألفِ مِليارِ تومانٍ

۳) در زبان عربی به مانند زبان فارسی اعداد از مرتبه بزرگتر به کوچکتر خوانده می شوند. جز در یکان و دهگان که برخلاف فارسی، ابتدا یکان خوانده می شود و سپس دهگان.

۴) در اعداد بزرگ، معدود اصلی در انتهای عدد می آید.

مثال:

في المدرسةِ(۱۲۵ دانش آموز) مِئَةٌ وخَمسَةٌ وعِشرونَ تلميذاً

في المَكتبة (۳هزار و ۷۰۶ کتاب) ثَلاثَةُ آلافٍ وسَبعُمِئَةٍ وسِتَّةُ كُتُبٍ.

دَفَعَ سعيدٌ (۱۵ هزار و ۹۵۸ تومان)خَمسَةَ عَشَرَ ألفاً وتِسعَمِئَةٍ وثمانيةً وخَمسينَ توماناً.

نفوس مَدينَتُنا (۴۸۷ هزار و ۵۱۴ نفر) أربَعُمِئَةٌ وسَبعَةٌ وثمانون ألفاً وخَمسُمِئَةٍ وأربَعَ عَشَرَةَ نَسَمَةً.

نفوس ایران (۷۵ میلیون و ۱۴۹ هزار و ۶۶۹ نفر) خَمسَةٌ وسَبعونَ مِليونا و مئةٌ وتِسعَةٌ وأربعونَ ألفاً وسِتُّمِئَةٍ وتِسعٌ وسِتُّونَ نَسَمَةً.

در کره زمین (۶میلیارد و۸۹۵ میلیون و ۴۳۳هزار و۷۲۹ نفر) زندگی می کنند

يعيشُ في الكرةِ الأرضيةِ سِتَّةُ ملياراتٍ وثمانُمِئةٍ وخمسةٌ وتِسعونَ مليوناً وأربعُمئةٍ وثلاثةٌ وثلاثونَ ألفاً وسَبعُمئةٍ وتسعٌ وعشرونَ نَسَمَةً.

۵) بِضع، بِضعَة:

الف) دلالت بر عدد مبهمی بین ۳ تا ۹ می کند ، در فارسی به معنی«اندی» ترجمه می شود.

ب) حکم تذکیر و تأنیث آن به مانند اعداد ۳تا ۹ است.

مثال:جاءَ بِضعَةُ رجالٍ/ رأيتُ بِضعَ نساءٍ/مررتُ ببِضعَةَ عَشَرَ رجلا/في الصفِ بِضعَ عَشَرَةَ بِنتاً/التَقَيتُ ببِضعةٍ وعشرينَ رجلا/جاءَ بِضعُ وتسعونَ فَتاةً

۶) نَیِّف:

الف) دلالت بر عددی مبهم بین ۱ تا ۹ می کند، در فارسی به معنی«اندی» ترجمه می شود.

ب) فقط در بین اعداد عقود ذکر می شود

ج) برای مؤنث و مذکر فرقی نمی کند

مثال: جاءَ نَیِّفٌ وخمسونَ رجلا/رَأیتُ نَیِّفا وتِسعینَ قِطَّةً

اعداد شمارشی حصری:

الف) الفاظ این اعداد به مانند اعداد شمارشی است با این تفاوت که این اعداد بعد از معدود می آیند.

ب) در تذکیر و تأنیث همچون اعداد شمارشی اند.

ج) این اعداد از جهت اعراب تابع معدود قبل از خود هستند.

د) این اعداد از جهت معرفه ونکره بودن تابع معدود قبل از خود هستند. اگر معدود معرفه بود، عدد را با الف ولام می آوریم.

هـ) معدود این اعداد همیشه جمع است

مثال: کتبٌ خمسةٌ: کتاب های پنج گانه/ الأئمةُ الإثنا عَشَرَ: امامان دوازده گانه/ المعصومونَ الأربعَةَ عَشَرَ: انسان های معصوم چهارده گانه

گاهی اوقات، اعداد شمارشی حصری به صورت معنای ترکیبی(شبیه شمارشی)، معنا می شوند: پنج کتاب، دوازده امام، چهارده معصوم

تفاوت معنای ترکیبی با معنای شمارشی در این است که در معنای شمارشی کلمه «تا» را می آوریم اما در معنای ترکیبی، نمی آوریم

معنای شمارشی: پنج تا کتاب، دوازده تا امام، چهارده تا معصوم

اعداد ترتیبی(وصفی):

- در زبان فارسی معمولاً به آخر آنها پسوند « ـُ م » افزوده می شود.

- این اعداد به عنوان صفت بعد از معدود ذکر می شوند

- در اعراب و معرفه و نکره بودن از معدود(موصوف) تبعیت می کنند

- در جایی که بر وزن فاعل بیایند در مؤنث و مذکر بودن از معدود خود تبعیت می کنند به جز الأوَّل که بر وزن فاعل نیست و برای مؤنث به صورت الأولی می آید.

۱ تا ۱۰:

(۱- الأول/ الأُولی) (۲- الثاني/ الثانیة) (۳- الثالث/ الثالثة) (٤- الرابع/ الرابعة) (٥- الخامس/ الخامسة)

(٦- السادس/ السادسة) (۷- السابع/ السابعة) (۸- الثامن/ الثامنة) (۹- التاسع/ التاسعة)

(۱۰- العاشر/ العاشرة)

مثال:

قرأتُ الفصلَ الثانيَ من الکتابِ - مررتُ بالتّلمیذةِ الأُولی - هذا درسٌ خامسٌ - هذة مدرسةٌ سابعةٌ

۱۱تا ۱۹:

(۱۱- الحاديَ عشرَ/ الحاديةَ عشرةَ) (۱۲- الثانيَ عشرَ/ الثانيةَ عشرةَ) (۱۳- الثالثَ عشرَ/ الثالثةَ عشرةَ)

(۱٤- الرابعَ عَشرَ/الرابعَةَ عَشَرَةَ) (۱٥- الخامسَ عشَرَ/الخامسَةَ عشَرَةَ) (۱٦- السادسَ عشرَ/السادسَةَ عشرَةَ)

(۱۷- السابعَ عشرَ/السابعَةَ عشرَةَ) (۱۸- الثامنَ عشرَ/الثامنَةَ عشرَةَ) (۱۹- التاسعَ عشرَ/التاسعَةَ عشرَةَ)

- در هنگام استفاده به صورت معرفه جزء اول الف و لام می گیرد

- هر دو جزء اعداد ترتیبی ۱۱ تا ۱۹ با معدود از نظر مؤنث و مذکر بودن مطابقت می کند

- هردو جزء مبنی بر فتح هستند

هذا هو الکتابُ الحاديَ عَشرَ وهذة هي الوردةُ الثامِنَةَ عَشَرَةَ.

رأيتُ العصفورَ التاسِعَ عشرَ والدجاجةَ الثالثةَ عَشَرَةَ.

مررتُ بالديکِ الثانيَ عَشرَ و الشَجَرةِ الرابعةَ عَشرَ.

أعداد عقود (۲۰تا ۹۰):

(۲۰- العِشرون) (۳۰-الثلاثون) (٤۰- الأربعون) (٥۰-الخَمسون)

(٦۰-السِتُّون) (۷۰-السَبعون) (۸۰-الثَمانون) (۹۰-التِسعون)

- عدد بدون تغییر برای مذکر و مؤنث می آید

- معرب به اعراب نیابی جمع مذکر سالم است(در حالت رفعی واو و در حالت نصبی و جری یاء می آید)

هذا هو البيتُ الثمانونَ/ غَرَستُ الشجرةَ الأربعينَ

اعداد: (**۱۰۰تا ۹۰۰**)

(۱۰۰– المِئَة) (۲۰۰– المِئَتانِ) (۳۰۰– الثَلاثُمِئَةِ) (٤۰۰–الأربَعمِئَةِ) (۵۰۰– الخَمسُمِئَةِ)

(٦۰۰–السِتُّمِئَةِ) (۷۰۰– السَبعُمِئَةِ) (۸۰۰– الثَمانُمِئَةِ) (۹۰۰– التِسعُمِئَةِ)

– عدد بدون تغيير براى مذكر و مؤنث مى آيد

– المئَة معرب است به اعراب ظاهرى اصلي

– المِئتان معرب است به اعراب نيابى كه الف نيابت از رفع مى كند و ياء نيابت از نصب و جر.

– در بقيه اين اعداد جزء اول معرب است به اعراب ظاهرى و اصلى

– جزء دوم (مئة) معرب است و چون مضاف اليه است، در همه ى حالات مجرور است

جاءني الرجلُ التِسعُمِئَةِ – مررتُ بالشجرةِ الثَمانِمِئَةِ – جاءني الرجل (١١٢ أم) الثاني عشرَ بعدَ المئةِ/ المئةُ والثاني عشرَ

اعداد: (**۱۰۰۰– الألف**) (**۱۰۰۰۰۰۰– المِليون**) (**۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰– المِليار**)

– عدد بدون تغيير براى مذكر و مؤنث مى آيد

– معرب است به اعراب ظاهرى اصلى

هذا هو البيتُ المِليونُ/ رأيتُ الفائزُ المِليارُ

مثال های بیشتر:

مررتُ بالرجل(٢١) الحادي والعشرينَ- رأيتُ البنتَ(٩١) الحاديةَ والتسعينَ

جاءني الرجل (١١٢ أم) الثاني عشرَ بعدَ المئةِ/ المئةُ والثاني عشرَ

جاءني الرجل(٤٨٧٥١٤أُم) الأربَعُمِئَةُ والسَابعُ والثَمانون ألفاً والخَمسُمِئَةِ والرابعَ عَشَرَ

رأيتُ العصفورَ (١٥٧٥٨ أُم) الخَامسَ عَشَرَ ألفاً والتِسعَمِئَةِ والثَماني والخَمسينَ

مررتُ بالمرإةِ (٧٥١٤٧٦٦٧)الخَامسَةِ والسَبعينَ مِليونا والمئةِ والتِاسعِةِ والأربعينَ ألفاً والسِتُّمِئَةٍ والتِاسعةِ والسِتِّينَ

نکته:

گاهی اوقات، اعداد وصفي بدون الف ولام، وهمراه با تنوین بکار می روند. این اعداد برای بیان اقسام یک چیز یا حالات گوناگون و..... استفاده می شوند.

أولاً، ثانياً...تاسعاً، عاشراً، حاديَ عاشراً، ثانِيَ عاشراً.....تاسعَ عاشراً، عشروناً، حاديَ وعشروناً....مئةً....مِلياراً

.

خواندن تاریخ:

– ابتدا روز و بعد ماه و سپس سال خوانده می شود

– برای ماه و روز از اعداد ترتیبی استفاده می کنیم

– برای سال از اعداد اصلی استفاده می کنیم

مثال ها:

انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (۱۳۵۷ /۱۱/۱۲) به پیروزی رسید

انتصرت الثورةُ الإسلامية في اليومِ الثاني والعشرين مِن شهر بهمن (الشهرِ الحاديَ عشرَ) عامَ ألفٍ وثلاثِمِئَةٍ وسَبعةٍ وخمسين هجريٍ شمسيٍ.

من متولّد ۱۵ تیر سال ۱۳۶۳ هجری شمسی هستم

وُلِدتُ في اليومِ الخامسَ عشرَ مِن شهرِ تير (الشهرِ الرابعِ) سنةَ ألفٍ وثلاثِمِئةٍ وثلاثٍ وستينَ هجريةٍ شمسيةٍ

نکات:

– در صورتی که در بیان تاریخ از لفظ(عام) استفاده کردیم ، معدود عددِ سال، مذکر خواهد بود و باید قواعد مذکر، مؤنث و تطابق و عدم تطابق باتوجه به آن(عام) رعایت کرد. و در پایان ذکرِ تاریخ هجری ، میلادی و شمسی باید از الفاظ مذکر آنها استفاده کرد.

(هجريّ، شمسيّ، ميلاديّ)

– در صورتی که در بیان تاریخ از لفظ (سنة) استفاده کردیم، معدود عددِ سال، مؤنث خواهد بود و باید قواعد مذکر، مؤنث و تطابق وعدم تطابق باتوجه به آن(سنة) رعایت کرد. و در پایان ذکرِ تاریخ هجری، میلادی و شمسی باید از الفاظ مؤنث آنها استفاده کرد.

(هجريّة، شمسيّة، ميلاديّة)

خواندن ساعت:

– برای بیان ساعت از اعداد ترتیبی استفاده می شود

– برای بیان دقیقه و ثانیة از اعداد اصلی استفاده می شود

مثال ها:

ساعت ٤:٠١

الساعةُ الرابعَةُ ودقيقةٌ واحدةٌ

ساعت ٢:٠٢:٠٢

الساعةُ الثانيةُ ودقيقتانِ اثنتانِ وثانيتانِ اثنتانِ

ساعت ٧:١٢

الساعةُ السابعةُ وإثنتا عَشرة دقيقةً

ساعت ٣:١٥

الساعة الثالثة وخمسَ عشرةَ دقيقةً/ والربعُ

ساعت ٨:٣٠

الساعة الثامنة وثلاثون دقيقةً/ النصفُ

ساعت ١٠:٤٥

الساعةُ العاشرةُ وخمسٌ وأربعون دقيقةً/ الحاديةَ عشرَةَ إلا رُبعا

ساعت ٥:٢٠

الساعة الخامسةُ وعشرون دقيقةً/ الخامسةُ والثُلثُ

ساعت ٤:٤٠

الساعة الرابعة وأربعون دقيقةً/ الخامسة إلا ثُلثا

ساعت ١٢:٢٠:٣٠

الساعة الثانيةَ عشرةَ وعشرون دقيقةً وثلاثون ثانيةً

ساعت ٦:٢٩:٤٥

الساعةُ السادسةُ وتسعٌ وعشرون دقيقةً وخمسٌ وأربعون ثانيةً

ساعت: ٧:٥٥

الساعةُ السابعةُ وخمسٌ وخمسون دقيقةً/الساعةُ الثامنةُ إلا خمسَ دقائقَ

ساعت ١٠:٥٠

الساعةُ العاشرةُ وخمسونَ دقيقةً/ الساعةُ الحاديةَ عَشَرَةَ إلا عَشرَ دقائقَ

إعداد:

محمد مهدی احمدی نژاد

arabimedia.blogfa.com

مصادر و مراجع:

- كتاب گفتگو، ناصر على عبد الله

- اعداد را بهتر بشناسيم، غلامحسين زكوي

- اينترنت